

پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی

ایران: با رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا^۱

Consequences of Internationalization and Using Farsi as the Only Language of Instruction in Iran's Higher Education System: Content Analysis

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۹؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۵/۹/۱۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۵

N. Asgharzadeh (MA), A. Khorasani (Ph.D.) &
M. Farasatkah (Ph.D)

Abstract: As one of the challenges of higher education is internationalization, Iran tries to take the first steps in it, to have more interaction and communication with scholars and universities in the world. Since according to the article 15 of the Constitution of Islamic Republic of Iran, the official language and script of Iran, the lingua franca of its people, is Persian (Farsi) the current paper tried to find the consequences of internationalization and using Farsi as the only language of instruction in higher education of Iran. It is a qualitative descriptive study using qualitative content analysis of interviews with 24 scholars and key informants of higher education in Iran. The sampling method is purposive using a snowball sampling technique. Interviews continued to get saturation. Then contents of the interviews were analyzed using open coding and axial coding method to get categories. Finding showed there are positive and negative consequences of using Farsi as the language of instruction in Iran. The consequences are in 5 categories and 32 subcategories.

Key words: Language of instruction, Internationalization, Iran's Higher education System.

نسرین اصغرزاده^۲، اباصلت خراسانی^۳ و مقصود فراساتخواه^۴

چکیده: بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران تلاشی نو به‌منظور ایجاد تعامل و تبادلات بیشتر در حوزه علم و با جامعه علمی دنیاست. در این جستار پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران در راستای بین‌المللی شدن مورد مذاقه قرار گرفت. بدین منظور با ۲۴ صاحب‌نظر و مطلع کلیدی در حوزه آموزش عالی و از بین ذی‌نفعان این عرصه در چهار سطح ذیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای انجام پذیرفت: مدیران دانشگاه‌ها، مطلعان کلیدی، اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری. پس از مراجعه به خبره‌های موضوع و مصاحبه عمیق اکتشافی با نمونه‌های هدفمند که به روش گلوله برفی انتخاب شده بودند و رسیدن به سطح اشباع، داده‌های به‌دست آمده، به روش تحلیل محتوا کدگذاری شد و مقولات اصلی و زیرمقولات بدست آمد و مورد اعتباریابی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در دو بخش پیامدهای مثبت و منفی شامل ۵ مقوله اصلی و ۳۲ زیر مقوله است.

کلید واژه‌ها: زبان آموزش علم، بین‌المللی شدن، نظام آموزش عالی ایران.

۱. محتوای این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «عوامل مؤثر در بین‌المللی شدن آموزش عالی

ایران با تأکید بر زبان علم در دانشگاه‌ها» می‌باشد.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی. N_Asgharzadeh@sbu.ac.ir

۳. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی.

۴. دانشیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.

مقدمه

بین‌المللی شدن آموزش عالی از دهه ۱۹۹۰ به شکلی نو، در بین دانشگاه‌های کشورهای پیشرو به جریان افتاد و نتایج و مزایای به‌دست آمده از آن، نیاز و الزام به این پدیده را هر روز بیشتر آشکار کرد تا جایی که حتی کشورهای در حال توسعه نیز به این جریان پیوسته و یا در حال پیوستن هستند. "بین‌المللی شدن، فرصت‌های بسیاری را برای مؤسسات آموزش عالی فراهم می‌کند این مزایا نه تنها برای دانشگاه‌ها بلکه مزایایی برای دانشجویان و اساتید نیز به‌همراه دارد" (انارد، دیاموند و روزویر، ۲۰۱۲، ص ۴۰). پروفیسور نایت (۲۰۰۸) اذعان دارد که "هنوز عده‌ای بین‌المللی شدن را به معنی توسعه پروژه‌های بین‌المللی و یا اهمیت روزافزون بعد تجارت در آموزش عالی می‌دانند" (ص ۱). اما وی بین‌المللی شدن را فرای فعالیت‌های بین‌المللی می‌داند. پروفیسور دی‌ویت و همکارش نیز این تعریف نایت از بین‌المللی شدن را از سوی بسیاری از صاحب‌نظران قابل قبول می‌دانند: "بین‌المللی شدن به مفهوم فرایند تلفیق بعد بین‌المللی، میان فرهنگی یا جهانی در اهداف، نقش‌ها و ارائه آموزش دانشگاهی است" (سیهول و دی‌ویت، ۲۰۱۴، ص ۳).

بین‌المللی شدن مانند خیابان دو طرفه‌ای است که هم دانشجویان و هم دانشگاه‌ها می‌توانند به اهداف‌شان برسند یعنی دانشجویان می‌توانند آموزش با کیفیت داشته و پژوهش را دنبال کنند و برای دنیای واقعی آموزش تجربی دیده و آماده شوند که این امر به سادگی قابل تدریس نیست. از سوی دیگر دانشگاه‌ها نیز می‌توانند به شهرت جهانی دست یافته و در جامعه آموزش عالی جهانی، جایگاه ثابتی کسب کنند و با چالش‌های مرتبط با جهانی شدن خود را تطبیق دهند (انارد و همکاران، ۲۰۱۲).

یکی از ابزارهای مهم بین‌المللی شدن، زبان است. زبان انگلیسی به‌عنوان ابزار اولیه بین‌المللی شدن نقش مهمی را ایفا می‌کند و اکنون به زبان غالب در آموزش عالی دنیا مبدل شده است (دوآز و همکاران، ۲۰۱۳؛ کلمن، ۲۰۰۶؛ کریستال، ۲۰۰۰؛ گرادول ۲۰۰۶).

انگلیسی زبان غالب علم، پژوهش، تجارت و سیاست است (آلتباخ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۳۴). استفاده از زبان واسط در آموزش عالی به قدری رشد کرده که کرکپاتریک (۲۰۱۱) تصدیق می‌کند بین‌المللی شدن و استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان آموزش علم به شکل جداناپذیری در هم تنیده شده‌اند. آلتباخ و همکاران (۲۰۰۹) تأیید می‌کنند که دانشگاه‌ها و سیستم‌های آکادمیکی برای بهره‌مندی از این شرایط جهانی جدید و جذب دانشجویان خارجی، استراتژی‌های بسیاری از جمله ارائه رشته‌ها به زبان انگلیسی را به کار می‌برند (ص IX).

پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران: با رویکرد کیفی... ۱۶۱

سال‌های اخیر، کشورهای اروپایی که زبان اول کشورهایشان انگلیسی نبود با هدف پیوستن به پروسه بین‌المللی شدن و پاسخگویی به تقاضای مردمی برای آموزش عالی به زبان انگلیسی و نیز جذب دانشجو از سراسر جهان، بسیاری از رشته‌های دانشگاهی خود را به صورت تمام انگلیسی یا نیمه انگلیسی برگزار کرده‌اند.

در ایران بین‌المللی شدن آموزش عالی در برنامه ششم توسعه مدنظر قرار گرفته است و اکنون وزارت علوم تلاش‌هایی را به این منظور انجام می‌دهد. اما از آنجایی که زبان آموزش علم در ایران مطابق ماده ۱۵ قانون اساسی منحصراً زبان فارسی است. جستار حاضر تلاش دارد پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران را بررسی کند. پرداختن به این موضوع و انجام این مطالعه کیفی از آن رو اهمیت می‌یابد که تا کنون پژوهشی مبنی بر پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم به‌عنوان یکی از عوامل مهم بین‌المللی شدن، در کشورمان صورت نپذیرفته است و با توجه به اهمیت بین‌المللی شدن آموزش عالی در ایران و قرار گرفتن کشور در مسیر و برداشتن گام‌های ابتدایی این روند، استفاده از نظرات صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی این حوزه می‌تواند مسیر این پدیده را روشن‌تر کند. سوال اساسی این پژوهش این است که پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران چیست و چه نتایج حاصل می‌شود؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

به زعم پیچ و مایکل^۱ (۲۰۰۵) که از صاحب‌نظران بین‌المللی شدن و نیز از اساتید دانشگاه مینوسوتا هستند، بین‌المللی شدن یک جریان مداوم در تمام سیستم آموزش عالی و با فرایندی بسیار پیچیده است که موجب بهسازی و اصلاح بسیار در آموزش عالی می‌شود. باید توجه داشت که فرایند بین‌المللی شدن سریع، آسان و ارزان نیست. اما وی اذعان دارد که با مطالعه، تدریس، مشاوره و بررسی اساتید، و دانشجویان داخلی و خارجی در طی سال‌ها به این نتیجه رسیده که بین‌المللی شدن ارزش این تلاش‌ها را دارد. "یکی از مهم‌ترین اهداف بین‌المللی شدن آموزش عالی، ارائه مناسب‌ترین و مرتبط‌ترین آموزش به دانشجویانی است که شهروندان آتی و مؤسسان شرکت‌های بزرگ و دانشمندان آینده کشور هستند" (انارد و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۸).

"با پذیرش جهانی شدن و آغاز آن در محافل سیاسی و علمی، زبان انگلیسی به‌عنوان زبان غالب به کار رفت. انگلیسی به‌عنوان زبان جهانی در قرن ۱۹ و با افزایش قدرت کلنی انگلستان رشد

یافت و با نفوذ قدرتمند آمریکا در قرن ۲۰ تحکم یافت" (بامبوس^۱، ۲۰۰۲، ص ۳۵۷). "انگلیسی اکنون زبان رایج بین‌المللی علم و تکنولوژی است" (گرادول، ۱۹۹۷، صفحه ۹). استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش^۲ به دو دلیل در حیطه آموزش عالی رخ داد: رشد روزافزون انگلیسی به‌عنوان زبان غالب جهانی و زبان واسط اروپا؛ رشد تبادلات دانشجو و استاد. دانشگاه‌ها روش زبان واسط آموزش را فرصتی دوگانه دانسته‌اند که هم برای جذب دانشجویانی خارجی و هم برای آماده کردن دانشجویان داخلی کشورشان مغتنم است (نگ^۳، ۲۰۱۳).

به‌دنبال مزایای مترصد شده برای مؤسسات آموزش عالی، کنشگران علم و کشورها از بین‌المللی شدن آموزش عالی و سیر صعودی این پدیده، استفاده از ابزار زبان واسط نیز به شکل روزافزونی افزایش یافت. "براساس آمار تعداد ۶۴۰۷ رشته محل در سال ۲۰۱۳ در اروپا به انگلیسی تدریس شده که نسبت به سال ۲۰۱۱ به میزان ۳۸٪ افزایش داشته است. هم‌چنین تعداد رشته‌های تحصیلات تکمیلی که تماماً به انگلیسی برگزار می‌شود از ۳۷۰۱ رشته محل در سال ۲۰۱۱ به ۵۲۵۸ رشته محل در ژوئن سال ۲۰۱۳ رسیده است. این روند افزایش تدریس رشته‌ها با زبان واسط انگلیسی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ رشد ۱۰۴٪ داشته است" (برن وایت و فاث^۴، ۲۰۱۳، ص ۴). اکنون شش کشور که در اروپا بیشترین تعداد دانشجوی بین‌المللی را به خود اختصاص داده‌اند به ترتیب ذیل است: "انگلستان، آلمان، هلند، سوئد، بلژیک و فرانسه" (همان، ص ۱۰).

افزایش روزافزون آموزش با زبان واسط انگلیسی تنها به قاره اروپا ختم نمی‌شود. "افزایش قابل توجهی از ارائه رشته‌ها با زبان واسط انگلیسی در دانشگاه‌های کثیری از قاره آسیا مشاهده می‌شود" (کرکپاتریک، ۲۰۱۱، ص ۶). این امر نشان از اهمیت زبان به‌عنوان یکی از عوامل مهم بین‌المللی شدن است چرا که با بین‌المللی شدن آموزش عالی در دنیا، نیاز به استفاده از زبان بین‌المللی به‌منظور ارتباطات گسترده با ملل و کشورهای مختلف بیش از پیش ضروری به نظر می‌آید.

در پژوهشی که دردن^۵ (۲۰۱۳) در کنسولگری انگلستان با همکاری دانشگاه آکسفورد با عنوان "استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزشی - پدیده جهانی رو به رشد" و با روش آمیخته در ۵۵ کشور دنیا انجام داد. در بخش کیفی مصاحبه با استادانی انجام پذیرفته که تجربه تدریس با زبان واسط را در رشته‌های مختلف، در سه کشور اتریش، هلند و ایتالیا داشتند.

1. Bamgbose
3. Knagg
5. Dearden

2. English-Medium Instruction
4. Brenn-White & Faeth

پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران: با رویکرد کیفی... ۱۶۳

در بخش کمی ۵۵ کشور در سراسر دنیا بررسی و پرسشنامه به استادان و سیاستگذاران آنها ارسال شد. یافته‌ها نشان داد که استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش به سرعت در حال افزایش در دنیا است. برخی از والدین این را روشی مناسب برای پیوند فرزندشان با جامعه نخبگان و در نتیجه بهره‌مند شدن از مزایای آن می‌دانند. از سویی فشار بر روی مدارس و دانشگاه‌ها در عرصه بین‌المللی زیاد شده و از سوی دیگر برخی از مدرسان آموزش از طریق زبان واسط انگلیسی را چالشی برای خود و کلید موفقیت دانشجویان می‌بینند. برخی از ذی‌نفعان هنوز از این روش مطمئن نیستند. نتایج این تحقیق در ۵۵ کشور نشان داد که سیر آینده این کشورها به سمت استفاده بیشتر از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش است. لازم به ذکر است که در بین این ۵۵ کشور تنها سه کشور هستند که در هیچ مقطع تحصیلی مجاز به استفاده از زبان واسط انگلیسی نیستند و یکی از آن کشورها ایران است.

هم‌چنین در کشور همسایه ما ترکیه نیز به‌دنبال بین‌المللی شدن آموزش عالی، استفاده از زبان واسط در آموزش علم توسعه یافت. رساله دکتری ارکان آرکین^۱ (۲۰۱۳) با عنوان "آموزش از طریق زبان واسط انگلیسی در دانشگاه‌های کشور ترکیه" نشان از استفاده از زبان واسط انگلیسی می‌دهد و اکثریت پاسخ‌دهندگان اذعان دارند که توانایی صحبت به یک زبان خارجی به‌خصوص انگلیسی مزایای زیادی دارد بنابراین یادگیری این زبان در سطوح پیشرفته اهمیت زیادی دارد. اما این درحالی است که در سال‌های اول و دوم دانشگاه برای دانشجویانی که سطح مهارت‌های زبانی پایینی دارند چالش یادگیری زبان بر یادگیری مفاهیم درسی اثر منفی می‌گذارد.

در تأیید مطالب مذکور دوازده همکاران (۲۰۱۳)^۲ در پژوهشی با عنوان "استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش در دانشگاه‌ها" به رشد بی‌سابقه و سریع آموزش با زبان واسط انگلیسی در سراسر دنیا اذعان دارند و این پدیده را قسمتی از فرایند بین‌المللی شدن آموزش عالی دنیا می‌دانند. هم‌چنین تصدیق می‌کنند که انگلیسی اکنون زبان واسط علم شده و در کشورهایی که زبان ملی آن انگلیسی نیست استفاده از زبان واسط انگلیسی در آموزش کمک به یادگیری زبان و محتوای علمی به روز است. هم‌چنین در این پژوهش تأکید شده در این روش نیازمند استفاده از استادانی هستیم که هم به محتوای علمی و هم به زبان انگلیسی مسلط باشند و این امر در استفاده از این روش بسیار حائز اهمیت است. با این وجود به برخی نمونه‌ها و کشورها نیز اشاره کرده که برای جبران کمبود استاد مسلط هم به زبان و هم به محتوا، از روش تدریس دو استاد در هر کلاس استفاده شده که نتایج خوبی را دربرداشته است.

کرکپاتریک (۲۰۱۱)^۱ با اشاره به خیل عظیم دانشجویان بین‌الملل که بیشتر از آسیا و چین به کشورهای پیشرو می‌روند. تأیید می‌کند که چین نیز اکنون در تلاش است تا رشته‌های مختلف دانشگاهی‌اش را به انگلیسی ارائه دهد تا به این بازار جهانی بپیوندد. ژاپن نیز بین‌المللی شدن را فرصتی برای نشان دادن ارزش‌های فرهنگی ژاپن به دنیا می‌داند. در هنگ کنگ نیز ۷۵ درصد دانشگاه‌های دولتی به زبان انگلیسی آموزش خود را ارائه می‌دهند. با وجودی که بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها نیازمند استفاده از زبان مشترک است اما پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند برای حفظ زبان ملی هر کشور باید آموزش عالی کشورهای آسیایی یک سیاست مشترک دو یا چندزبانه را پیش گیرند تا مطمئن باشند که اهمیت زبان ملی‌شان در کنار زبان انگلیسی حفظ می‌شود.

جهانی‌اصل (۲۰۰۷)^۲ با نقد سیستم آموزشی ایران به‌عنوان سیستمی کاملاً متمرکز، بسته و غیرعادلانه به ارائه سیستم آموزشی دموکراتیک پرداخته و اذعان دارد که نظام آموزشی باید نقش پایه‌ای داشته باشد و تدریس زبان‌های خارجی از ضروریات است که متأسفانه در این خصوص ضعف زیادی در سیستم آموزش ایران دیده می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش که با چارچوب رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا صورت پذیرفته است به‌منظور یافتن فهم غنی‌تر از پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران، از روش مصاحبه‌های فردی نیمه ساختاریافته با صاحب‌نظران، برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. هومن (۱۳۸۵) یکی از روش‌های مفید گردآوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی را مصاحبه می‌داند زیرا موجب بررسی عمیق افکار نمونه می‌شود و مصاحبه نیمه ساختاریافته را دارای انعطاف‌پذیری بیشتر می‌داند.

"راهبرد نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی، راهبرد نمونه‌گیری هدفمند است" (محمدپور، ۱۳۸۹، صفحه ۱۰۹). پاتون^۳ (۲۰۱۵) نمونه‌گیری هدفمند را از روش‌های نمونه‌گیری غیرتصادفی دانسته که در آن از نمونه‌هایی استفاده می‌شود که در مورد موضوع اصلی پژوهش بیشترین اطلاعات را دارند. نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی از جامعه‌ی آماری نسبتاً پنهان گرفته می‌شود و هر نمونه، پژوهشگر را به نمونه مطلع بعدی راهنمایی می‌کند. به‌منظور جمع‌آوری داده‌های اصلی تحقیق که متمرکز بر مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و عمیق از مطلعان کلیدی و

پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران: با رویکرد کیفی... ۱۶۵
صاحب‌نظران حوزه بین‌المللی کردن آموزش بود نمونه‌ها از بین ذی‌نفعان آموزش عالی در چارچوب زیر انتخاب شدند:

۱. مدیران دانشگاهی سطح ۱ (ریاست دانشگاه، معاونین)، مدیران سطح ۲ (مدیران بخش‌هایی چون تحصیلات تکمیلی، امور بین‌الملل و...)، و مدیران سطح ۳ (ریاست دانشکده‌ها، مدیران گروه‌ها و...)،

۲. اعضای هیأت علمی،

۳. صاحب‌نظران و خبرگان متخصص موضوع،

۴. دانشجویان دوره‌های دکتری.

با توجه به مبهم بودن تعداد نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی استفاده شد و تا زمان اشباع نظری فرایند نمونه‌گیری و تجزیه و تحلیل و اکتشاف ادامه داشت. زمانی که به یافته‌های مصاحبه، هیچ داده‌ی تازه‌ای اضافه نشد که بتوان ویژگی‌های مقوله را توسعه و بسط داد و به بیان دیگر داده‌های مشابه از مصاحبه‌ها استخراج می‌شد، اشباع نظری تلقی شد که در این پژوهش و با استفاده از چارچوب مذکور این اشباع با تعداد نمونه ۲۴ نفر حاصل شد. به‌طور کل مصاحبه با صاحب‌نظران آموزش عالی بسیار سخت است و مشغله‌های متعدد و گاهی ملاحظات شغلی، ایشان را دور از دسترس و مصاحبه‌قرار می‌دهد که این امر موجب کندی روند کلی مصاحبه در پژوهش حاضر شد و در نتیجه فاز اجرای مصاحبه در این پژوهش قریب به هفت ماه به طول انجامید. برای رعایت اخلاق پژوهشی، اسامی، نام دانشگاه، رشته تحصیلی و عنوان کامل سمت دانشگاهی مصاحبه‌شوندگان محرمانه تلقی شده و ذکر نشده است. از میان این ۲۴ صاحب‌نظر، ۹ مدیر دانشگاهی از سطوح مختلف (ریاست دانشگاه؛ ریاست دانشکده و مدیران امور بین‌الملل و تحصیلات تکمیلی؛ و مدیران گروه‌ها)؛ ۵ عضو هیأت علمی؛ ۶ خبره و صاحب‌نظر؛ و ۴ دانشجوی دکتری مورد مصاحبه عمیق و اکتشافی قرار گرفتند.

کلیه مصاحبه‌ها توسط شخص پژوهشگر انجام پذیرفت و پس از مصاحبه‌ها، متن ضبط شده کلمه به کلمه پیاده و به‌عنوان داده اصلی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به میزان علاقه و مشارکت مصاحبه‌شونده، مصاحبه با هر فرد طی یک تا دو جلسه و مدت هر جلسه به‌طور متوسط یکساعت به طول انجامید. هم‌چنین در روند پژوهش تلاش شد به‌منظور حفظ اصول اخلاق پژوهشی، رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان در پژوهش جلب شود و رازداری، محرمانه و گمنام بودن، امانتداری و نیز آزادی نظر مشارکت‌کنندگان در حین مصاحبه و بعد از آن رعایت شود.

فرایند تحلیل داده‌ها از طریق دو مرحله کدگذاری (باز، محوری) تحقق پیدا کرد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان انجام پذیرفت. بدین ترتیب پس از انجام هر مصاحبه و

پیاده‌سازی آن، کدگذاری دو مرحله‌ای شامل خواندن کلمه به کلمه و استخراج مفاهیم و تشکیل مقولات و سپس طبقه‌بندی داده‌ها و مشخص نمودن زیر طبقات، و تشکیل طبقات نهایی انجام پذیرفت. در این پژوهش این مراحل و فرایند با کمک نرم‌افزار Maxqda طبقه‌بندی و در نهایت تحلیل شد. لازم به ذکر است که نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی، همانند نرم‌افزارهای کمی به صورت خودکار قادر به تحلیل نیستند بلکه در ذخیره‌سازی داده‌ها، ساده‌سازی فرایند تحلیل، دسته‌بندی داده‌ها و دسترسی آسان به کدها یاری‌رسان پژوهشگر است.

روایی و اعتباریابی پژوهش کیفی با روش ارزیابی لینکلن و گوبا (۱۹۹۴)^۱ بر پایه چهار معیار اعتباربخشی و اعتبار (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، اعتمادبخشی و تأییدپذیری صورت می‌پذیرد. در این پژوهش محقق با صرف زمان کافی و نگارش یادداشت دامنه و یادآور در طول پژوهش خاصه در فرم‌های اکسل و بازبینی و بررسی فرایند تحلیل و مقوله‌های بدست آمده به کمک ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان به‌عنوان ناظرین و اعمال نظرات ایشان (کنترل از سوی اعضا) در کدگذاری محوری میزان اعتباربخشی داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است. توافق به‌عمل آمده در خصوص کدگذاری‌های صورت پذیرفته با ناظرین بین ۸۴-۹۲٪ بود. هم‌چنین به منظور انتقال‌پذیری در این پژوهش از داده‌های غنی و حصول اطمینان از گردآوری طیف وسیعی از نظرها و دیدگاه‌ها استفاده شده است.

از تنوع گروه‌های متخصص و صاحب‌نظر با روش نمونه‌گیری هدفمند نیز به‌منظور بالابردن روایی فرایند مصاحبه استفاده شد. بدین‌ترتیب در حین مصاحبه، هم‌زمان با یادداشت‌برداری پژوهشگر از نکات مهم و درخور توجه، با کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان کل مصاحبه‌ها ضبط و ثبت شد. مستندسازی همه‌ی مراحل کار از جمله متون نسخه‌برداری شده مصاحبه‌ها، برگه راهنمای مصاحبه، برگه‌های ثبت تأملات شخصی از مصاحبه‌ها، فهرست مصاحبه‌شوندگان، جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری داده‌ها، مقوله‌های استنتاج شده از داده‌ها و یادداشت‌های پژوهشگر، تفسیرها و تحلیل‌های صورت گرفته در فرایند پژوهش به‌عنوان ردّ ممیزی و جای پای برای ارزیابی فردی خارج از پژوهش، تهیه و به‌منظور ایجاد اعتمادبخشی، نگهداری شده است. هم‌چنین ارتباط مداوم بین داده‌ها و یافته‌ها و رفت و برگشتی که محقق در مسیر پژوهش انجام داد و تبادل نظر با هم‌تایان در خصوص کدگذاری‌های انجام شده، مفاهیم، و مقولات برای افزایش اعتمادبخشی پژوهش بوده است. علاوه بر این در این پژوهش تلاش شد مداخله در توصیف به حداقل رسانده شود تا تأییدپذیری پژوهش بالا رود.

یافته‌های پژوهش

مقولات استخراج شده از تحلیل محتوا و استنباط اکتشافی مصاحبه‌ها با صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی، در پژوهش حاضر نشان داد که پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران را می‌توان به دو دسته‌ی پیامدهای مثبت و پیامدهای منفی تقسیم کرد که شامل ۵ مقوله اصلی و ۳۲ زیر مقوله است که در جدول ۱ ارائه شده است. *حفظ زبان و هویت ملی* از مقولات اصلی پیامدهای مثبت، است و به زیر مقولات ذیل تقسیم می‌شوند:

حفظ هویت ملی: نتایج بدست آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که هویت ملی در نتیجه‌ی منحصر بودن زبان آموزش علم در دانشگاه‌های کشور حفظ و مستحکم می‌شود. در این ارتباط یکی از اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها اذعان داشت "این که ما مدیوم آموزش مان فارسی باشد به نوعی به هویت ملی خودمان داریم توجه می‌کنیم، کما اینکه تو خیلی از دانشگاه‌های معتبر غیرانگلیسی زبان دنیا هم مدیوم، زبان اول آن کشور است مگر اینکه دانشگاه بین‌المللی باشد". هم‌چنین یکی از خبره‌های متخصص در این حوزه افزود "زبان بخشی از هویت فرهنگی و ملی یک جامعه است ناگزیریم که از او دفاع بکنیم و نسبت به اون یک وابستگی فراتر از احساس ملی به‌عنوان یک نگاه استراتژیک داشته باشیم".

هویت‌سازی و غنی‌سازی فرهنگی: مطلعان و صاحب‌نظران معتقدند یکی از نتایج منحصر بودن زبان در ایران این است که حفظ زبان کشور منجر به حفظ فرهنگ و ادبیات غنی فارسی می‌شود که این امر به هویت‌سازی و غنی‌سازی فرهنگی در کشور کمک می‌کند. در این راستا یکی از دانشجویان دکتری معتقد است "زبان ما زبان فلسفی است زبان ملاصدرا و شیخ بهایی و حافظ. حفظ این زبان موجب غنی‌سازی فرهنگی می‌شود و در نتیجه‌ی استفاده از ادبیات کهن‌مان یعنی حافظ و سعدی و مولانا می‌تواند خیلی از مشکلات کشورمان رو حل کند".

عدم انتقال عناصر فرهنگی بیگانه: یافته‌ها نشان می‌دهد که ذی‌نفعان آموزش عالی کشور یکی دیگر از نتایج مثبت منحصر بودن زبان در ایران را عدم انتقال عناصر فرهنگی بیگانه می‌دانند. یکی از خبره‌های متخصص در این خصوص تصدیق می‌کند که "زبان چه خواهیم چه نخواهیم به همراه خودش عناصر فرهنگی را منتقل می‌کند و نمی‌توان گفت یکی که با یک زبان زندگی و کار و استفاده می‌کند، متأثر از آن نمی‌شود این یک اصل است که باید به آن توجه کرد و منحصر بودن زبان موجب منتقل نشدن عناصر فرهنگی زبان‌های دیگر می‌شود" اما در ادامه مصاحبه با بیان این نکته که "این نوع تداخل زبانی به‌ویژه در حوزه علم، یک اصل پذیرفته شده است" تصدیق می‌کند که در دنیای امروز ناگزیر به ایجاد ارتباط هستیم و ارتباط و تعاملات امروزه در حوزه زبان و فرهنگ نیز همانند حوزه وسائل نقیله تغییر کرده است "همان‌طور که وسیله نقیله‌مان متحول می‌شود و به‌روز می‌شود ما هم ناچاریم برای بازگو کردن مقاصدی که از زبان

داریم این تحول رو در زبان بپذیریم" وی معتقد بود همان‌گونه که امروزه برای مقاصد مختلف از وسائل نقلیه مختلف استفاده می‌کنیم و ناگزیر به استفاده از هواپیما و قطار و... هستیم در حوزه زبان نیز این تحول الزامی است.

حفظ و تقویت جایگاه زبان فارسی در کشور: یکی از مدیران دانشگاهی سطح یک نیز معتقد بود که "قانون اساسی و نقشه جامع علمی کشور هم به صراحت به آموزش به زبان فارسی دستور می‌دهد و پیامد مثبت این قضیه حفظ زبان ملی برای خودمان است". اما خبره‌ی دیگری معتقد بود "راجع به قانون اساسی، واقعاً یک مسئله است قانون اساسی که وحی منزل نیست. ممکن است اون زمان تصور این بوده که اقتضات جامعه فقط دانستن زبان فارسی و زبان عربی به لحاظ فرهنگی بوده و بعد متوجه بشوند که نه اینجوری نیست. کما اینکه بعضی از بنیان‌گذاران آن مثل مرحوم بهشتی دو زبان آلمانی و انگلیسی را بلد بود". به‌علاوه مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ نیز با اشاره به این که "زبان جایگاه حاکمیتی در کشور دارد" به لزوم حفظ و تقویت جایگاه زبان فارسی با منحصر بودن زبان آموزش علم اشاره داشت. اما از سوی دیگر مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲ اذعان داشت که "از آن طرف با این مواجهیم که قاعدتاً در تبادل علمی ناگزیر هستیم به زبانی که در جهان زیست بوم پیدایش این علوم مورد استفاده قرار می‌گیرد، به آن هم توجه کنیم". یکی دیگر از مدیران سطح یک دانشگاهی معتقد بود که "اصولاً آیا برای گسترش زبان، فقط باید به گستره علمی پرداخت یا هنری و فرهنگی و .. هم می‌توانند این مأموریت رو انجام بدن. اتفاقاً آن چیزی که در گذشته اقبال مغرب زمین رو نسبت به زبان فارسی ایجاد می‌کرده زبان علمی نبوده بیشتر زبان فرهنگی بوده مثلاً شما گوته رو نگاه کنید که به سراغ حافظ می‌آید به سراغ کتاب ریاضیات ابن‌سینا نماید گرچه کتاب ابن‌سینا عربی است حالا به کتاب فارسی بگیریم لذا من معتقدم که اصرار کردن به این که انحصاراً مأموریت پشتیبانی و حمایت از زبان فارسی به این برمی‌گردد که به حوزه علم اختصاص دارد! این طور نیست. می‌توان حوزه‌های غیرعلمی این مأموریت رو خیلی روان‌تر و خیلی شدنی‌تر به انجام برسانند یعنی ترویج زبان فارسی در ماهیت‌های فرهنگی (دینی، ادبیات، هنر، گردشگری) در آن قسمت‌ها شاید راحت‌تر اتفاق بیافتد".

جدول ۱. پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در آموزش عالی ایران

مقولات اصلی	زیر مقولات	
پیامدهای مثبت	حفظ زبان و هویت ملی	حفظ هویت ملی
	هویت سازی و غنی سازی فرهنگی	
	عدم انتقال عناصر فرهنگی بیگانه	
	حفظ و تقویت جایگاه زبان فارسی در کشور	
ضعف در پیوند با انباشت علمی جهان	گسست جامعه علمی ایران با دیگر کشورها	
	پیوند و اشتراک ضعیف با یافته‌های جدید علمی در دنیا	
	امکان عرضه اندک یافته‌های علمی کشور به جهان	
	عدم استفاده دیگر کشورها از رساله‌ها و پایان نامه‌های دانشجویان داخلی	
	تاخیر در انتقال تجربه، تکنولوژی و فناوری جدید به کشور	
	اجرای محدود پروژه‌های مشترک با هم‌تایان علمی در جهان	
محدودیت در توسعه علمی	محدود شدن توان علمی کنشگران علم	
	عقب ماندگی و شکاف علمی کشور از جهان	
	به روز نبودن منابع و محتویات درسی	
	شروع غالب پژوهشها از نقطه صفر	
	محدودیت در دیپلماسی علمی	
	عدم توسعه و تولید دانش روز و علوم نوین	
پیامدهای منفی	نزول کیفیت تولیدات علمی و پژوهشی	
	بالا رفتن هزینه‌های پژوهشی	
	کم شدن فرصت در رقابت‌های بین‌المللی و جذب اندک استاد و دانشجوی بین‌الملل	
	فقدان هویت و اعتبار بین‌المللی برای دانشگاه‌ها	
	خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه‌ها	
	عدم رشد اقتصاد دانشگاهی	
تقلیل سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی	از دست دادن فرصت اشتغال بین‌المللی برای دانشجویان بومی	
	فقدان رشد مطلوب جایگاه زبان فارسی در دنیا	
	مهاجرت نخبگان	
	عدم آموزش و تربیت شهروند جهانی	
	تقلیل فرهنگ تساهل و تسامح برای زندگی مسالمت آمیز	
	همکاری و همبستگی محدود بین‌المللی	
تقلیل ارتباطات میان فرهنگی با کشورهای دیگر	تقلیل ارتباطات میان فرهنگی با کشورهای دیگر	
	عدم توسعه فرهنگ دگرپذیری	
	صندلی خالی بیشتر و تعدیل استادان از دانشگاه‌ها	

پیامدهای منفی

یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که منحصر بودن زبان آموزش علم در آموزش عالی ایران دارای چهار مقوله اصلی به شرح ذیل است:

ضعف در پیوند با انباشت علمی جهان: مطلعان کلیدی و ذی‌نفعان آموزش عالی معتقد بودند که منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران موجب تضعیف پیوند علمی می‌شود. براساس نظر ایشان این مقوله به ۶ زیر مقوله به شرح ذیل تقسیم می‌شود.

- گسست جامعه علمی ایران با دیگر کشورها
- پیوند و اشتراک ضعیف با یافته‌های جدید علمی در دنیا
- امکان عرضه اندک یافته‌های علمی کشور به جهان
- عدم استفاده دیگر کشورها از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویان داخلی
- تأخیر در انتقال، تجربه، تکنولوژی و فناوری جدید به کشور
- اجرای محدود پروژه‌های مشترک با هم‌تایان علمی در جهان

یکی از خبره‌ها در این خصوص اذعان داشت "بالاخره یک اصلی را باید پذیرفت و آن اینکه ما یک انباشت علمی و تولید علم (خالص و ناخالص سره و ناسره) در دنیا داریم. ما در مقابل یک انبار بزرگی هستیم که بسیاری در تولید آنچه در این انبار ذخیره شده نقش داشته‌اند بخش عمده‌ای از آن هم به زبان‌های اروپایی و از جمله زبان انگلیسی است این‌ها واقعیت‌هایی است که گرچه ما این واقعیت‌ها را خلق نکرده‌ایم اما با آن درگیریم. در نتیجه باید نحوه کنار آمدن مان با این واقعیات را تعریف کنیم و اون ضرورتش این است که آموزش زبان واسط (که در درجه اول زبان انگلیسی است) در دستور کار جامعه قرار بدهیم به‌ویژه در عرصه آموزش عالی. گرچه پایه این کار مربوط به قبل از آموزش عالی است. اما آموزش عالی چون تصور ما این است که در این سطح کار هم تولید علم انجام میشه هم تبادل علم. و هر دوتای این‌ها نیازمند این است که با زبانی که اون انباشت رو فعلاً پشتیبانی میکنه ارتباط برقرار کنیم". بنابراین به اعتقاد متخصصان، منحصر بودن زبان آموزش علم منجر به تضعیف پیوند با انباشت علمی جهان می‌شود و این امر موجب گسست جامعه علمی ایران با دیگر کشورها می‌شود و امکان پیوند و اشتراک با یافته‌های جدید علمی در دنیا تضعیف می‌شود. یکی از اعضای هیأت علمی در این خصوص این‌گونه بیان کرد "اگر آدم‌ها ندانند برای برآورده شدن نیازهای ارتباطی‌شان در حوزه علم چگونه از ابزار زبان بین‌الملل استفاده کنند خب اینجا ممکن است فقط با فارسی نتوانند موفق بشوند یعنی محدودیت برایشون ایجاد کنه" و خبره‌ی دیگر افزود "من نظر خودم را به‌عنوان کسی می‌گویم که زبان را ابزار مهم و یا مهم‌ترین ابزار تعامل میان فرهنگ‌ها و جوامع به‌ویژه در حوزه علم

می‌داند: این تأکید یا انحصارگرایی در باب استفاده از زبان فارسی در همه جا و همه وقت و همه زمینه‌ها را نمی‌پذیریم و دوباره همان حرف اولم، به نظرم میان توجه به دفاع ما از هویت ملی که زبان بخشی از آن هست، با افتادن به تنگنای ارتباط علمی که زبان‌های دیگر از جمله زبان انگلیسی ممکن است این مهم رو فراهم کند باید یک تعادلی ایجاد کنیم که هیچ کدام دیگری رو حذف نکنه یعنی اگر به این قیمت باشه که داشته‌های علمی ما قابل عرضه به جهان به لحاظ محدودیت‌های زبان فارسی نباشد، نباید این خسارت به ما وارد بشه، و نه به قیمت این که می‌خواهیم علم و دانش تولید شده خودمان رو ترویج بکنیم زبان فارسی رو کاملاً حذف کرد". هم‌چنین متخصصان معتقدند امکان عرضه یافته‌های علمی کشور ما به جهان نیز به دلیل تسلط اندک جامعه علمی به زبان بین‌الملل محدود شده است و کشورهای دیگر نمی‌توانند از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های داخلی ما استفاده کنند زیرا منحصراً به زبان فارسی نوشته شده‌اند و این امر امکان پیوند یافته‌های علمی در دنیا را محدود کرده است. مصاحبه‌شونده شماره ۴ در این خصوص اذعان کرد "اساتیدی رو در دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات می‌شناسم که اساتید مخترعی هستند و ثبت اختراع دارند ولی وقتی می‌خواهند در یک سمینار بین‌المللی شرکت کنند به دلیل مشکل تسلط زبانی، پوستر می‌گذارند و حتی نمی‌توانند جواب بازدیدکننده‌ها رو بدهند. خب وقتی مخترع ما یا پزشک ما نمی‌تواند پژوهش عظیم خودش رو به دنیا نشان بدهد به نظرم این مسئله که فارسی رو زبان آموزش علم بدانیم علی‌رغم اینکه فارسی زبان ملی کشورمان است یه کمی صورت خوشی ندارد. حتی فرانسوی‌ها که اینقدر روز زبان خودشون تعصب دارند الان از زبان واسط در آموزش علم استفاده می‌کنند". هم‌چنین انتقال تجربه، تکنولوژی و فناوری به کشور محدود و با تأخیر اتفاق می‌افتد. از دیگر پیامدها، اجرای محدود پروژه‌های علمی مشترک با هم‌تایان علمی در جهان است که دلیل عمده آن، ضعف و تسلط کم به زبان بین‌الملل است. یکی از مقامات عالی وزارت علوم با تأیید این مطلب افزود "تعداد مقالات و پروژه‌های مشترک اعضای هیأت علمی ما با هم‌تایان خود در دیگر کشورها در سال ۱۳۹۴ کمتر از ۴۰۰۰ مقاله و پروژه بوده است".

محدودیت در توسعه علمی: براساس یافته‌ها، یکی دیگر از پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران، محدود شدن توسعه علمی است که به ۸ زیرمقوله تقسیم می‌شود.

- محدود شدن توان علمی کنشگران علم
- به روز نبودن منابع و محتویات درسی
- شروع غالب پژوهش‌ها از نقطه صفر
- محدودیت در دیپلماسی علمی
- عدم توسعه و تولید دانش روز و علوم نوین

- نزول کیفیت تولیدات علمی و پژوهشی
- بالا رفتن هزینه‌های پژوهشی
- عقب‌ماندگی و شکاف کشور از جهان

خبرها و مطلعان کلیدی معقدند که منحصر بودن زبان آموزش علم در آموزش عالی ایران موجب محدود شدن توان علمی کنشگران علم می‌شود زیرا به بیان یکی از مطلعان کلیدی "اصولاً تعامل علمی که در جهان اتفاق می‌افتد حتماً باید مبتنی بر پذیرش این اصل باشد که اون علم در شکل‌گیری خودش یک زبانی را داشته و این زبان حداقل به‌عنوان اولویت اول در نحوه تعامل، بین کسانی که به اون عرصه علمی می‌پردازند قرار خواهد گرفت". هم‌چنین به روز نبودن منابع و محتویات درسی نیز از دیگر پیامدهای منفی است. یکی از مدیران سطح ۳ دانشگاهی در این خصوص اذعان داشت که "ما در برخی رشته‌ها مقلد هستیم در اون رشته‌ها و کتاب‌های روز دنیا انگلیسی است و ترجمه کردن آن‌ها سی سال فاصله است یعنی بین اصل کتاب و ترجمه سی سال فاصله است من این رو به تجربه مشاهده کردم. فرض کنید انگل‌شناسی، ما تا این کتاب رو استادمان بشناسد و بخواند و ترجمه کند و بیاید سر کلاس درس بدهد، سی سال اختلاف فاز داریم پس در این رشته‌ها صلاح نیست به فارسی درس بدیم". به‌دلیل ضعف در عدم تسلط به زبان علم دنیا، غالب پژوهش‌ها را از نقطه صفر آغاز می‌کنیم. یکی از مصاحبه‌شوندگان با تأیید این مطلب گفت "به‌همین جهت خیلی چیزها رو از نقطه صفر شروع می‌کنیم در حالی که خیلی از این مسیر طی شده و اگر عامل زبان نباشد این ارتباط ما با گام‌هایی که در حوزه‌های علمی طی شده ممکن‌تر اتفاق می‌افتد و ناچار نیستیم برگردیم عقب". از دیگر پیامدهای منفی، محدودیت در دیپلماسی علمی است. یکی از صاحب‌نظران در این خصوص این‌گونه بیان کرد که "برای اینکه دیپلماسی علمی تحقق پیدا کند بایستی یک ابزاری را تعریف می‌کردند که به نظرم می‌رسد که اولویت و ضروتش این است که بتوان زبان را که اصلی‌ترین ابزار برای دیپلماسی علمی است را فراهم کنند برای مثال ما در خیلی از رشته‌ها می‌توانیم اساتیدی را از دنیا دعوت کنیم حرف‌های آن‌ها رو بشنویم، حرف‌های خودمان را بزنیم و خیلی راحت به این تعامل علمی برسیم. اما خب شما نگاه کنید وقتی استاد می‌خواهد بیاید اینجا به انگلیسی و فرانسه درس بده مگه چند نفر از مخاطبان می‌توانند ارتباط برقرار کنند. این یک گسست است". بنابراین توسعه و تولید دانش روز و علوم نوین در کشور ما به آسانی میسر نیست و این عوامل موجب نزول کیفیت تولیدات علمی و پژوهشی و بالا رفتن هزینه‌های پژوهشی می‌شود.

پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در راستای بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران: با رویکرد کیفی... ۱۷۳

از دست دادن فرصت و مزیت‌های جدید برای دانشگاه‌های کشور: از دیگر پیامدهای منفی، از دست دادن فرصت‌ها و مزیت‌های جدید است که در این پژوهش به ۶ زیرمقوله تقسیم شده است.

- کم شدن فرصت در رقابت‌های بین‌المللی و جذب اندک استاد و دانشجوی بین‌المللی
- خالی ماندن صندلی‌های دانشگاه‌ها
- عدم رشد اقتصاد دانشگاهی
- از دست دادن فرصت اشتغال بین‌المللی برای دانشجویان بومی
- فقدان رشد مطلوب جایگاه زبان فارسی در دنیا

یافته‌ها حاکی از آن است که به دلیل استقبال پایین از زبان آموزش علم در ایران (فارسی) از سوی دیگر کشورها، فرصت در رقابت‌های بین‌المللی برای کشورمان اندک است در نتیجه تعداد دانشجو و استاد بین‌المللی که متقاضی ادامه تحصیل یا تدریس در ایران باشند محدود است همین امر سبب شده که کشورهای همسایه در این خصوص گوی سبقت را برابند و از شرایط فعلی بیشترین استفاده را بکنند مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ با تأیید این مطلب افزود "برای مثال اکنون در کشور ترکیه با وجودی که ۱۸۸ دانشگاه وجود دارد اما این کشور توانسته ۵۴ هزار دانشجوی بین‌الملل را جذب کند و یکی از عوامل مهم در جذب این دانشجویان، ارائه رشته‌ها با زبان واسط انگلیسی است این درحالی است که کشور ما با بیش از دو هزار دانشگاه، تنها یازده هزار دانشجوی بین‌الملل را جذب کرده است". این امر موجب می‌شود که نتوانیم یکی از معضلات کنونی آموزش عالی کشورمان که صندلی‌های خالی است با دانشجویان بین‌الملل پر کنیم. در حالی که دیگر کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه برنامه‌ریزی مستمر و دقیقی را برای بهره‌مندی از این بازار پررونق می‌کنند. صاحب‌نظر شماره ۶ نیز در این خصوص افزود "مالزی این راه را به‌عنوان جذب دانشجویهای خاورمیانه پیش گرفت و از اطراف خودشون دانشجوی جذب کردند و هیچ مشکلی هم ندارند. چون کل سیستم می‌خواهد و می‌گوید هر کس می‌تواند پول در بیاورد. دانشگاه خصوصی، پولت رو خودت در بیار و درمیارند. دانشگاه ام ام بی، دو هزار دانشجوی ایرانی داشت اونجا! من چند بار بازدید داشتم دیدم". بنابراین یکی دیگر از پیامدهای منفی، عدم رشد اقتصاد دانشگاهی در کشور است. صاحب‌نظر دیگر هم با اشاره به از دست دادن فرصت اشتغال بین‌المللی برای دانشجویان ایرانی به دلیل عدم تسلط به زبان بین‌المللی و نیز افت کیفیت آموزش عالی کشور افزود "این قضیه باعث می‌شود که اگر یک دانشجوی ایرانی استعداد و پشتکار یکسانی در مقایسه با یک دانشجو در کشوری دیگر داشته باشد اما از بازده تحصیلی و موقعیت شغلی کمتری برخوردار شود". هم‌چنین جایگاه زبان فارسی در دنیا رشد مطلوبی ندارد. صاحب‌نظر شماره ۱۴ با اشاره به این مطلب که شنا کردن برخلاف جهت کاری بسیار سخت و

انرژی بر است و امروزه در دنیا حتی کشورهایمانند فرانسه و آلمان که تعصبات خاصی نسبت به زبان خود داشتند تصمیم گرفته‌اند با ارائه رشته‌های دانشگاهی به زبان انگلیسی، هم جذب دانشجوی بین‌الملل داشته باشند و هم از فرصت استفاده کنند و زبان و فرهنگ کشور خود را در طول تحصیل به دانشجویان آموزش بدهند و این دانشجویان در بازگشت به کشورشان سفیران زبان و فرهنگ آن کشور خواهند بود گفت "آلمان تا جنگ جهانی دوم زبان علم دنیا بود و با این همه حساسیست و تعصبش الان زبان واسط را استفاده می‌کند برای من جالب بود در اسنادی که می‌خواندم دیدم دو تا کورس را اجباری کرده است برای کسانی که دارند در آنجا رشته خود را به زبان انگلیسی ادامه می‌دهند: زبان آلمانی و فرهنگ آلمانی. یعنی می‌گوید شما هم باید زبان مرا یاد بگیرید هم فرهنگ را این دو کورس را اجباراً در طول تحصیل برای‌تان می‌گذاریم. فکر می‌کردم اگر ایران هم بخواهد برای دانشجویان که از آن ور می‌آیند یک کاری کند هم زبان فارسی هم فرهنگ فارسی را برای‌شان بگذارد بهترین فرصت برای رشد زبان فارسی است".

تقلیل سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی: آخرین پیامد منفی تقلیل سرمایه‌های اجتماعی است که دارای شش زیر مقوله است.

- مهاجرت نخبگان
- عدم آموزش و تربیت شهروند جهانی
- تقلیل فرهنگ تساهل و تسامح برای زندگی مسالمت‌آمیز
- همکاری و همبستگی محدود بین‌المللی
- تقلیل ارتباطات میان فرهنگی با کشورهای دیگر
- عدم توسعه فرهنگ دگرپذیری
- صندلی خالی بیشتر و تعدیل استادان دانشگاه

صاحب‌نظر شماره ۵ اذعان داشت "با این روند داریم به مهاجرت نخبگان کمک می‌کنیم در صورتی که اگر معقول و خردمندانه برخورد می‌کردیم هم برای خودمون و دانشجویان ایرانی می‌توانست جذاب باشه و جلوی فرار مغزها گرفته بشود و هم خارجی‌های نزدیک بیان اینجا". هم‌چنین نمی‌توانیم شهروندان جهانی تربیت کنیم زیرا شهروند جهانی به بیان یکی از خبره‌ها باید "حداقل یک زبان خارجی را مثل زبان مادری صحبت کند. کار بین‌المللی توان بین‌المللی می‌خواهد یکی از این توانایی‌های لازم برای بین‌المللی شدن توانایی استفاده از زبان بین‌المللی است". از دیگر پیامدها، تقلیل فرهنگ تساهل و تسامح برای زندگی مسالمت‌آمیز است در این خصوص یکی از مطلعان کلیدی اذعان داشت که "اصولاً ما آدم‌های مهمان‌نوازی نیستیم و خودمحور هستیم. ما کمتر همدیگر را درک می‌کنیم و تفاهات جهانی‌مان خیلی مشکل دارد".

صاحب‌نظر شماره ۷ با اشاره به محدود بودن همکاری و همبستگی بین‌المللی افزود "ما وقتی تفکر بین‌المللی را آموزش بدهیم و به جامعه علمی تزریق کنیم آن موقع می‌توانیم بگوییم این‌ها باهم تطابق پیدا کرده و منطبق می‌شوند اما الان این توافق و همکاری اتفاق نمی‌افتد". بنابراین ارتباطات میان‌فرهنگی با کشورهای دیگر روزبروز کمتر می‌شود و فرهنگ دگرپذیری در ایران رشد نمی‌یابد. در حالی که رشد این فرهنگ به بالندگی و رشد اجتماعی و فرهنگی کمک شایانی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مهم که پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در ایران مورد غفلت واقع شده و تحقیق عمیق و کاملی در این زمینه صورت نگرفته، ضروری دانسته شد. این جستار کیفی که حاصل تعمق و اکتشاف برآمده از مصاحبه با مطلعان و صاحب‌نظران کلیدی آموزش عالی ایران است و می‌تواند به سیاست‌گذاران^۱، سیاست‌گزاران^۲ و تصمیم‌گیران آموزش عالی کمک کند تا ابعاد و پیامدهای منحصر بودن آموزش دانشگاهی به زبان فارسی را بشناسند و گام‌های ضروری در جهت افزایش اثربخشی برنامه‌های بین‌المللی شدن آموزش عالی را بردارند. شواهد حاکی از آن است که به‌منظور توسعه آموزش عالی ایران نیازمند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در عرصه بین‌الملل هستیم. زیرا برخلاف کشورهای پیشرو و حتی کشورهای چین، ترکیه و مالزی، هنوز در ابتدای راهیم و این امر نیازمند توجه سیاست‌گذاران و سیاست‌گزاران این حوزه است چرا که هسته اصلی بین‌المللی شدن را تعالی و کیفیت تشکیل داده است و این همان حلقه‌ی مفقوده آموزش عالی ایران است.

اگر قصد بین‌المللی شدن آموزش عالی ایران جدی است، توجه به رشد در شاخص‌های بین‌المللی که به‌منظور رتبه‌بندی دانشگاه‌های دنیا انجام می‌شود نیز ضروری است. برای مثال تامسون رویترز که هر ساله رتبه جهانی کشورها و دانشگاه‌ها را اعلام می‌کند با پنج شاخص تدریس^۳، پژوهش^۴، استنادات^۵، چشم‌انداز بین‌المللی^۶ و درآمد صنعتی^۷ مقایسه و رتبه‌بندی می‌کند نگاهی دقیق به رتبه دانشگاه‌های برتر ایران (جدول ۲) در این شاخص‌ها نشان می‌دهد که پایین‌ترین امتیاز تمام دانشگاه‌های ایران حتی برترین دانشگاه‌های کشور در شاخص چشم‌انداز بین‌المللی

1. policy makers
3. teaching
5. Citation
7. Industry income

2. policy implementators
4. research
6. International outlook

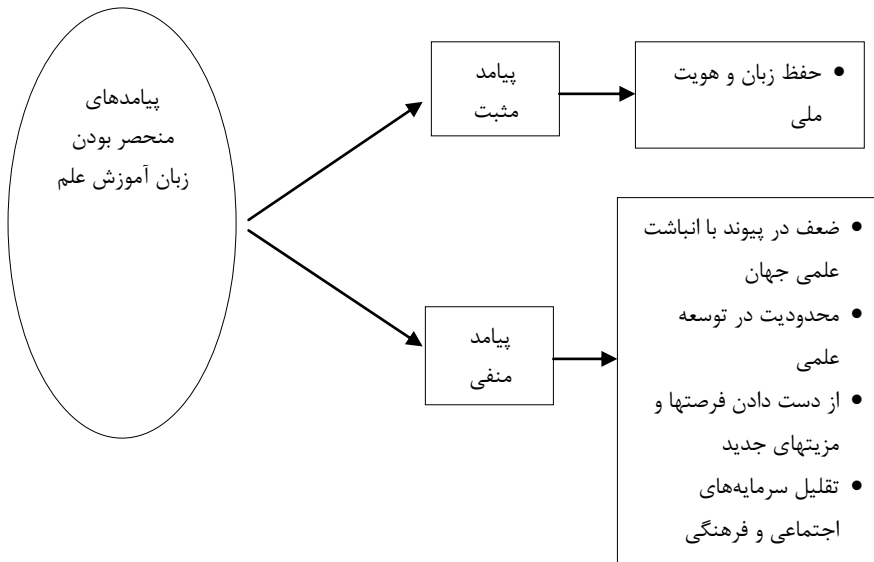
است که از سه بخش تشکیل شده است: درصد استادان بین‌المللی، همکاری‌های بین‌المللی، و درصد دانشجویان بین‌المللی. نمره هر شاخص از صد لحاظ شده است.

جدول ۲. رتبه دانشگاه‌های برتر ایران در مقایسه با کشورهای جهان^۱

نام دانشگاه / رتبه	شاخص تدریس	شاخص چشم انداز بین‌المللی	شاخص درآمد صنعتی	شاخص پژوهش	استنادات
علم و صنعت/۴۰۱-۵۰۰	۳۰.۲	۱۲.۲	۶۱.۲	۳۱.۹	۴۲.۳
صنعتی اصفهان/۵۰۱-۶۰۰	۲۱.۶	۱۷.۲	۹۹.۵	۲۸.۸	۳۹.۵
صنعتی شریف/۴۰۱-۵۰۰	۲۶.۶	۱۵.۹	۸۷.۸	۳۰.۱	۳۳.۷
شهید بهشتی/۶۰۱-۸۰۰	۲۰.۵	۱۳.۸	۵۸.۹	۱۹.۰	۱۱.۴
تهران/۶۰۱-۸۰۰	۲۷.۳	۱۶.۵	-	۱۷.۷	۱۵.۸
امیرکبیر/۵۰۱-۶۰۰	۲۴.۵	۷.۷	۵۵.۷	۲۵.۷	۳۴.۸
خواجه نصیر/۶۰۱-۸۰۰	۲۰.۹	۷.۱	۴۵.۵	۱۸.۱	۲۲.۵

جدول بالا نشان می‌دهد که دانشگاه‌های ایران از میان پنج شاخص تایمز در شاخص چشم‌انداز بین‌الملل دارای کمترین امتیاز هستند و در صورتی که در این شاخص پیشرفت کنند در رتبه‌بندی بین‌المللی رشد خوبی خواهند داشت که در نتیجه برند و جایگاه دانشگاه‌های ایران تغییر مثبتی خواهد کرد. رابطه بین این شاخص و تسلط به زبان بین‌المللی و منحصر بودن زبان آموزش علم به وضوح روشن است.

در تکمیل مطالب مذکور، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که پیامدهای منفی منحصر بودن زبان آموزش علم بیش از پیامدهای مثبت آن است و چنانچه در شکل ۱ نشان داده شده است از میان ۵ پیامد شناسایی شده در این جستار، ۴ پیامد منفی و ۱ پیامد مثبت برداشت شده است.



شکل ۱. پیامدهای منحصر بودن زبان آموزش علم در آموزش عالی ایران

یافته‌ها حاکی از آن است که گرچه حفظ زبان و هویت ملی الزامی و ضروری است اما می‌توان راهکارهایی اندیشید که حفظ آن تنها به حوزه علم سپرده نشود و این مسئولیت با بخش‌هایی چون فرهنگی، رسانه‌ها و... تقسیم شود چرا که پیامدهای منفی آن موجب گسست و شکاف علمی ایران شده است و در صورتی که تدبیری اندیشیده نشود این شکاف عمیق‌تر شده و آموزش عالی ما بهای آن را پرداخت خواهد کرد. هم‌چنین از آنجایی که نقش علم و تولید علوم نوین در دنیای کنونی با قدرت و موقعیت کشورها رابطه مستقیم دارد بنابراین شکاف و گسست در آموزش عالی منجر به تضعیف کشورمان در دنیا خواهد شد.

سخن آخر آن که توسعه آموزشی بسیار پیچیده است و تصور ساده‌انگارانه در این خصوص نه تنها مفید نیست بلکه می‌تواند مضر هم باشد. هر سیاست برای تحقق اهدافش به یک دوره طولانی تکوین نیاز دارد. پس تغییر سیاستی را نباید سرسری انگاشت و نیز نباید بدون بررسی‌های دقیق رها کرد.

بیان راه‌حل قطعاً آسان‌تر از انجام آن است و ایدآلیسم‌گرایی محض نمی‌تواند راه نجات باشد. اما پیشرفت با اراده جمعی مسئولین و پژوهشگران و اساتید به همراه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق، راه کسب موفقیت است.

منابع

- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *ضد روش: منطق و طرح در روش شناسی کیفی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- هومن، حیدر علی (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش‌های کیفی*. تهران: سمت.
- Altbach, P., Reisberg, L., & Rumbley, L. (2009). *Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution*. A Report Prepared for the UNESCO 2009 World Conference on Higher Education. Paris: United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Bamgbose, A. (2001). World Englishes and Globalisation. *World Englishes*, 20(3), 357.
- Brenn-White, M., & Faethe, E. (2013). *English-Taught Master's Programs in Europe: A 2013 Update*. New York: Institute of International Education.
- British Council. (2014). *English as a medium of instruction-a growing global phenomenon: phase 1*. Retrieved from www.britishcouncil.org/education/ihe
- Doiz, A., Lasagabaster, D., & Sierra, J. (2013a). *English-Medium Instruction at Universities: Global Challenges: Multilingual Matters*.
- Doiz, A., Lasagabaster, D., & Sierra, J. (2013b). Globalisation, internationalisation, multilingualism and linguistic strains in higher education. *Studies in Higher Education*, 38(9), 1407-1421. doi:10.1080/03075079.2011.642349
- Erkan Arkin, I. (2013). *English-medium Instruction in Higher Education: A Case Study in a Turkish University Context* (Ph.D.). Gazimaguse, North Cyprus.
- Graddol, D. (1997). *The Future of English: A guide to forecasting the popularity of the English language in the 21st century*: The English Company (UK) Ltd.
- Hénard, F., Diamond, L., & Roseveare, D. (2012). *Approaches to Internationalisation and Their Implications for Strategic Management and Institutional Practice*. New York: OECD Higher Education Programme.
- Jahani Asl, M. N. (2007). *A Democratic Alternative Education System for Iran: An Historical and Critical Education* (M.A. Thesis). Simon Fraser University, Vancouver, Canada. Retrieved from <http://ir.lib.sfu.ca/handle/1892/9305>
- Kirkpatrick, A. (2011a). *Internationalization or Englishization: Medium of Instruction in Today's Universities*.
- Kirkpatrick, A. (2011b). *Internationalization or Englishization? Medium of Instruction in Today's Universities*. Centre for Governance and Citizenship Working Paper Series 2011/003. Hong Kong: Institute of Education.
- Knagg, J. (Ed.) 2013. *EMI within a Global Context- Towards a British Council Perspective*: British Council.
- Knight, J. (2008). *Higher Education in Turmoil: The Changing World of Internationalization*. Rotterdam: Sense Publishers.

- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1994). Competing Paradigms in Qualitative Research. *American Journal of Evaluation*, 15(2), 179–192. doi:10.1177/109821409401500207
- Paige & Michael, R. (2005). *Internationalization of Higher Education: Performance Assessment and Indicators*. Retrieved from <http://www.cshe.nagoya-u.ac.jp/publications/journal/no5/08.pdf>
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and practice* (Fourth edition). Thousand Oaks, California: SAGE Publications, Inc.
- Schoole, C., & Wit, H. de. (2014). The Regionalisation, Internationalisation, and Globalisation of African Higher Education. *International Journal of African Higher Education*, 1(1), 217–241. doi:10.6017/ijahe.v1i1.5648